

اشاره

طراحی سند ملی آموزش و پرورش و تصویب سند تحول راهبردی، به عنوان جدیدترین دست آورد برای اجرایی شدن این سند ملی، ما را بر آن داشت تا به سراغ دکتر محمود مهرمحمدی، استاد دانشگاه، متخصص برنامه ریزی درسی و از جمله مجریان این طرح ملی برویم.

دکتر مهر محمدی معتقد است هر چند امکان تحقق تمامی بخش های این طرح در کوتاه مدت کمی سخت به نظر می رسد، ولی نباید آن را غیرممکن و دور از ذهن دانست؛ بلکه باید با برنامه ریزی های لازم و به صورت تدریجی در تحقق بخش های گوناگون آن گام برداشت. دکتر مهرمحمدی معتقد است، گرچه از دید بعضی ها اجرای چنین طرحی با امکانات فعلی آموزش و پرورش امکان پذیر نیست، اما باید در نظر داشت که این، یک سند استراتژیک است. باید از هم اکنون ۲۰ سال دیگر را دید و شرایط را برای آن موقع آماده کرد.

حاصل گفت و گوی دکتر تورانی، سردبیر و مرتضی مجدفر، عضو شورای برنامه ریزی مجله ی رشد مدیریت مدرسه را با دکتر مهرمحمدی در پی می آوریم.

لازم به ذکر است که به دلیل طولانی بودن این گفت و گو آن را در دو بخش تقدیم می کنیم که قسمت اول آن در این شماره و قسمت دوم در شماره ی آینده چاپ خواهد شد.

□ برای شروع بحث، با توجه به این که شما از جمله مجریان اصلی طرح سند ملی آموزش و پرورش هستید، ذهنیتان در این ارتباط چیست؟

■ ابتدا به خاطر تدارک چنین فرصتی، از مجله ی رشد مدیریت مدرسه تشکر می کنم. واضح است که دست اندرکاران این مجله برای تحول در آموزش و پرورش دغدغه دارند.

طراحی سند ملی آموزش و پرورش از اواخر سال ۱۳۸۳ آغاز شده و اخیراً سند تحول راهبردی به عنوان آخرین دست آورد این مجموعه در شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسیده است. در این سند به دنبال یک نگاه جامع استراتژیک هستیم؛ به طوری که کل مسائل آموزش و پرورش طبق انتظار و بر اساس تعریف برنامه ی راهبردی در همه ی ابعاد در نظر گرفته شده و سعی شده است که در واقع احکامی برای همه ی ابعاد و وجوه آموزش و پرورش در راستای نیل به وضعیت آرمانی گنجانده شود. آن چه من در این گفت و گو به دنبال منعکس کردن آن هستیم، برخی از این احکام است؛ احکامی که به سطح مدرسه مربوط می شود و می تواند برای آموزشگاه هایی که در خط مقدم تربیت هستند، مفید باشد؛ به گونه ای که بدانند، تحولاتی که از ایشان انتظار می رود و باید اجرا کنند چیست و چگونه باید خودشان را مهیای چنین کاری کنند.

گفت و گو

گفت و گو با دکتر محمود مهر محمدی،
استاد دانشگاه و عضو کمیته ی طراحی سند ملی آموزش و پرورش

سندی برای آیندگان

تنظیم از: انلدار محمدزاده صدیق



□ اصلا منظور از سند ملی چیست؟ هم چنین اگر امکان دارد درباره‌ی محورها و یا احکامی که به دنبال انعکاس و یا طرح آن‌ها هستید، توضیح دهید.

■ بله، سند ملی بسته‌ای است که شامل سند تحول راهبردی نیز می‌شود. سند ملی حاوی اجزای متعددی است که یکی از این اجزا یا آخرین حلقه‌اش، سند تحول راهبردی یا در واقع برنامه‌ی راهبردی است و اجزای دیگرش پشتیبان و به اصطلاح تدوین‌کننده‌ی میانی نظری هستند. منظورم همان فلسفه‌ی تربیت رسمی، عمومی، رهنامه و شناسایی مجموعه‌ی فرصت‌ها و تهدیدهاست. این مواد همگی دست به دست یکدیگر داده‌اند و در مجموعه‌ای به نام کمیته‌ی تلفیق تبدیل به سند تحول راهبردی شده‌اند. بنابراین مواردی که من درباره‌ی آن‌ها صحبت می‌کنم، بیشتر برمی‌گردد به آن چه که در سند تحول راهبردی آمده است.

اما نخستین محوری که می‌خواهم به آن اشاره کنم، این است که در تدوین سند تحول راهبردی دست به یک اقدام انقلابی در مفهوم پردازی زده‌ایم و من فکر می‌کنم این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مدیران ما، به‌ویژه مدیران آموزشگاهی ما باید از آن آگاهی داشته باشند و آن هم این که ما لفظ تربیت را به جای لفظ آموزش و پرورش یا لفظ تعلیم و تربیت نشانیدیم و بر این معنا هم اصرار داریم. به همین دلیل تلاش می‌کنیم از طریق به کارگیری

این لفظ واحد، آن ثنویت و دوگانگی را که بین آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت به اذهان متبادر می‌شود، از بین ببریم. این ثنویت و دوگانگی، یعنی فرض کردن آموزش و پرورش به عنوان دو مقوله‌ی جدا از هم، منشاء بسیاری از بدفهمی‌ها و ریشه‌ی بسیاری از اقدامات و سیاست‌گذاری‌های نادرست بوده است.

بنابراین تلاش می‌کنیم تا این ثنویت یا دوگانگی را از بین ببریم. در واقع بحث ما این است که ما سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی را تدوین کرده‌ایم و می‌خواهیم این معنا را منتقل کنیم که جریانی که ما با آن سروکار داریم، جریانی یک‌پارچه است. جریان دو تکه نیست؛ یعنی این طور نیست که یک تکه آموزشی، یک تکه پرورشی و یا یک تکه تعلیم و تکه‌ی دیگر تربیت باشد. این دوگانگی وجود ندارد. در واقع ما با ترجمه‌ی واژه‌ی انگلیسی Education مواجه هستیم. تأکید می‌کنم که بهتر است این واژه‌ی غیر مرکب انگلیسی، در فارسی نیز به صورت غیر مرکب و به معنی تربیت ترجمه شود.

این در حالی است که ترجمه‌ی این اصطلاح به صورت مرکب، می‌تواند در زبان فارسی منشاء بسیاری از سوء تفاهم‌ها و بدعمل کردن‌ها از سطوح عالی تا سطوح عملیاتی شود.

ما می‌گوییم با تعریفی که از تربیت داریم، در نظام آموزش و پرورش چیزی به غیر از تربیت اتفاق نمی‌افتد، به همین دلیل نخستین

■ مهرمحمدی در یک نگاه

دکتر محمود مهرمحمدی که در رشته‌ی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، مدرک دکتری گرفته، هم اکنون استاد دانشگاه تربیت مدرس تهران است و سال گذشته به عنوان استاد نمونه‌ی کشوری برگزیده شده است.

مهرمحمدی مؤلف ده‌ها عنوان کتاب است؛ از جمله باز اندیشی فرایند یاددهی-یادگیری، روش‌شناسی مطالعات برنامه‌درسی، بررسی تطبیقی ابعاد اساسی نظام آموزش و پرورش آلمان و مقایسه‌ی آن با جمهوری اسلامی ایران، زبان تخصصی برای رشته‌ی برنامه‌ریزی درسی و ...

تاکنون مقالات بسیاری از او در مجله‌ها و نشریه‌های تخصصی تعلیم و تربیت و همچنین نشریات بین‌المللی به چاپ رسیده است.

او همواره در کنفرانس‌های داخلی و خارجی مرتبط با تعلیم و تربیت حضوری فعال داشته و مقالات بسیاری در سمینارهای تخصصی ارائه داده است.

دکتر مهرمحمدی علاوه بر تدریس در دانشگاه، مسئولیت‌های متعددی نیز برعهده دارد؛ از جمله مدیریت گروه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس، ریاست کمیته‌ی علوم تربیتی شورای برنامه‌ریزی وزارت علوم، سردبیری فصل‌نامه‌ی مطالعات برنامه‌ی درسی وابسته به انجمن برنامه‌ریزی درسی ایران. او همچنین مدیر کلی مرکز تحقیقات آموزش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ریاست پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش و مشاورت پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش را در کارنامه‌ی سوابق خود دارد.

نکته‌ای که می‌خواهیم بر آن تأکید کنیم و همکاران آموزشگاهی به ویژه مدیران محترم را نیز در جریان آن قرار دهیم، چنین اقدامی است. به زعم خودمان، مفهوم‌پردازی و جایگزین کردن لفظ تربیت به جای آن الفاظ دوگانه و مرکب متداول، یعنی آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت، به دلایلی که عرض کردم، اقدامی انقلابی است. به نظرم این کار، یک تصحیح ذهنی را به دنبال خواهد داشت. این اتفاق، یک اتفاق صرفاً لفظی نیست؛ در واقع یک اقدام سطحی و اقدام در سطح اصلاح یک لفظ نیست، بلکه تصحیح نگاه را به همراه خواهد داشت.

□ پس تربیت به جای آموزش و پرورش. اما نکته‌ی دومی که در سند تحول راهبردی مورد توجه شما و سایر صاحب‌نظران قرار گرفته است، چیست؟

■ نکته‌ی دوم این که ما در سند ملی، مدرسه را محور توسعه‌ی محلی می‌دانیم و معتقدیم که مدرسه باید در ارتقای سطح فرهنگی - عمومی جامعه نقش اساسی ایفا کند. این نقش کم و بیش در گذشته هم مورد توجه بوده است؛ اما سند ملی به آن رسمیت و برجستگی می‌دهد و تأکید دارد بر این که نقش مدرسه در برآورده ساختن نیازهای توسعه‌ی و کوتاه‌مدت جامعه‌ی محلی بسیار جدی‌تر از گذشته است و باید به آن به طور ویژه توجه شود.

جامعه‌ی محلی باید در ظرفیتی که مدرسه از خود نشان می‌دهد، متقابلاً به مدرسه به عنوان یک کانون امید و اعتماد و مرکز تحول نگاه کند. به نظر من در این موضوع، نکته‌های ظریف و دلالت‌های متعدد نهفته است. در برابر نقش‌های ویژه‌ای که دانش‌آموزان باید در سرویس دادن به جامعه‌ی محلی برعهده بگیرند، معلمان و مدیران نیز باید در خدمت به اهداف توسعه‌ی جامعه محلی نقشی برعهده بگیرند و بگویند که چگونه می‌توانند پاسخ‌گوی نیاز محلی باشند. خلاصه این که نظام آموزش و پرورش در نیل به اهداف توسعه‌ی همه جوامع همواره نقش زیربنایی و بلندمدت دارد؛ اما ما می‌گوییم، مدرسه به عنوان کانون توسعه‌ی محلی و ایفا کننده‌ی نقش جدی

در توسعه‌ی سطح فرهنگی - عمومی جامعه‌ی محلی، باید به نیازهای کوتاه مدت هم باید جواب دهد.

این مجموعه باید بتواند برآورده‌ی نیازهای کوتاه مدت جامعه‌ی محلی در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امثالهم باشد و همان طور که گفتم، تبدیل به یک کانون امید و اتحاد شود.

□ لطفاً مثالی بزنید.

■ بله، مثلاً به دلیل خلاء موجود، شهرداری‌ها خانه‌ی فرهنگ محله ایجاد کرده‌اند. هرچند اقدام خیلی خوبی است، اما این نقصانی بر پیکره‌ی مدارس ماست که چون نمی‌توانند سرویس‌دهی مناسبی به جامعه‌ی محلی داشته باشند، شهرداری مجبور شده است در هر محله‌ای مکانی به نام خانه‌ی فرهنگ محله ایجاد کند.

□ لطفاً درباره‌ی سایر مواردی که در سند تحول راهبردی مورد توجه واقع شده است، توضیح دهید.

■ اما نکته‌ی سوم، ما در سند ملی، مدرسه را به عنوان یک سازمان یادگیرنده دیدیم. در این نگاه، هزاران نکته‌ی ظریف نهفته است. البته نخستین بار نیست که این بحث مطرح می‌شود، در گذشته هم مطرح بوده.

□ آیا این یعنی این که یادگیرندگی مدرسه در واقع به نوعی در حال قانونمند شدن است؟

■ بله، این موضوع در حال رسمیت یافتن است.

□ حمایت دستگاه‌ها از این مورد چگونه خواهد بود؟

■ همه‌ی دستگاه‌ها مجبور به حمایت هستند. خود ستاد هم در این راستا حرکت می‌کند. اما مدرسه به عنوان سازمان یادگیرنده یعنی چه؟ در مقیاس نهادی که خود مدرسه است، چه در درون مدرسه و در مقیاس فردی که احاد معلمان هستند یا در مقیاس جمعی که جمعیت معلمان به ویژه داخل مدرسه هستند، این‌ها همه باید از خودشان خوی و خصلت یادگیرندگی را علی‌الدوام بروز و ظهور دهند. یعنی مدرسه مجموعه‌اش و مدیرتش باید نشان دهد که به دنبال تحول است.

■ خلاصه‌ی گفت‌وگو:

ده نکته مورد توجه سند تحول راهبردی آموزش و پرورش از زاویه‌ی دید دکتر مهر محمدی

۱ تربیت، به جای آموزش و پرورش،

۲ مدرسه، محور و کانون توسعه‌ی محلی،

۳ مدرسه، سازمان یادگیرنده،

۴ اعطای استقلال عمل مالی و اداری به مدارس،

۵ تمام وقت شدن حضور معلمان در مدارس،

۶ طراحی برنامه‌ی درسی با یک ساختار سه‌وجهی (الزامی، انتخابی و اختیاری)،

۷ توجه متوازن به ساحت‌های تربیت (دینی - اخلاقی / علمی -

فناوری / سیاسی - اجتماعی / حرفه‌ای - اقتصادی / هنری -

زیبایی‌شناختی / زیستی - بهداشتی)،

کسانی که در آن مدرسه رفت و آمد می‌کنند، به ویژه دانش‌آموزان باید احساس کنند که در این فضا و فرهنگی که دارند تنفس می‌کنند، پویایی و تحرک و یادگیرندگی حرف اول را می‌زند.

□ **در واقع شما دارید، مأموریت‌های مدرسه را در این محور تغییر می‌دهید؟**

■ نمی‌دانم اسمش را تغییر ماموریت بگذاریم و یا چیزی دیگر. ماموریت مدرسه یاد دادن است، اما تا خود مدرسه به طور جدی متعهد به یادگیرندگی نباشند و تحول و تغییر و روزآمد شدن را نپذیرد، اعضای آن هرگز نمی‌توانند در مقام یاددهنده ظاهر شوند؛ ذات نایافته از هستی بخش / کی تواند که شود هستی بخش. نهادی که متولی یاددهندگی و یاد دادن است و مأموریتش یاد دادن است، باید در درجه‌ی اول، خودش یادگیرنده باشد تا بتواند همین ماموریت را به نحو احسن انجام دهد.

□ **در واقع شما با این راهبرد به دنبال نوآوری هستید؟**

■ دقیقاً، ما در این جهت و در سند ملی، راهبردهای گوناگونی را پیش‌بینی کرده‌ایم. به‌ویژه بحث معلم پژوهنده را به طور جدی پیگیری کرده‌ایم.

□ **منظور تان از «معلم پژوهنده» همان طرح معروف معلمان پژوهنده که نیست؟ لطفاً توضیح دهید.**

■ هم هست، هم نیست. از دید ما بحث معلم پژوهنده، یعنی این که در مقیاس فردی، تک‌تک معلمان باید در کلاس درس با مسئله و ماموریت خاصی که با آن سروکار دارند، به عنوان یک ماموریت پژوهشی برخورد کنند، نه به عنوان یک ماموریت اداری و کلیشه‌ی .

وقتی با ماموریت به عنوان یک ماموریت پژوهشی سروکار پیدا کنند، مرتباً در حال آسیب‌شناسی هستند، مسئله‌یابی می‌کنند و راه و روش‌های جدید و ابتکاری را برای فائق آمدن بر مسائل و ارتقای کیفیت یادگیری بچه‌ها به کار می‌گیرند؛ این یعنی معلم پژوهنده در مقیاس فردی. در مقیاس جمعی معلمان هم، راهکار درس پژوهی را

که از اتفاقات یا تجربیات خوب ژاپنی وام گرفته شده است، گنجانده‌ایم. بنابراین به عنوان سازمان یادگیرنده، باید فرهنگی بر مدارس ما حاکم باشد که هیچ مرتبه‌ای از کمال و توفیق را کافی ندانند و هدف خودشان تلقی نکنند. دانش‌آموزان در فضایی تنفس کنند که مرتباً بوی تحول و تغییر استشمام می‌شود و پویایی به فرهنگ مدرسه بدل شده است. این‌ها در واقع می‌توانند برای خود دانش‌آموزان هم الهام‌بخش باشند و آن‌ها را به پویایی و تحول و یادگیرندگی ترغیب و تشویق کنند. بسیار بیش از آن که ما بخواهیم از طریق توصیه، بچه‌ها را به یادگیری تشویق کنیم، قرار گرفتن در فضای یادگیرندگی آن‌ها را تشویق می‌کند. این فضا می‌تواند مهم‌ترین مشوق و محرک آن‌ها برای یادگیری باشد. اگر بچه‌ها این فرهنگ را درک کنند، در واقع پویایی این فرهنگ از محیط و جو مدرسه به آن‌ها سرایت می‌کند.

□ **اما در ادامه‌ی محورهای مورد بحث، بهتر است به نکته‌ی چهارم بپردازیم.**

■ نکته‌ی چهارمی که ما در سند ملی دیدیم، اعطای استقلال عمل مالی و اداری به مدارس است. ما تأکید داریم که در سند تحول راهبردی، مدارسمان را تا آن جا که امکان دارد به صورت غیردولتی اداره کنیم و آن جایی هم که امکان اداره‌ی مدارس به صورت غیر دولتی نیست، به سمت مدیریت هیئت امنایی برویم. شورای عالی آموزش و پرورش هم تصویب کرده است که درصدی از مدارس به صورت هیئت امنایی اداره شوند.

□ **یعنی در واقع می‌خواهید مدارس دولتی نیز به صورت دیگری هیئت امنایی باشد؟**

■ بله، دقیقاً. در راستای اعطای استقلال عمل مالی و اداری باید بگوییم که مدیران می‌توانند در مدارس هیئت امنایی با رعایت موازین عدالت و در چارچوب قانون، کسب درآمد نمایند و بتوانند خدمات ویژه ارائه کنند. به تجربه دریافته‌ایم که وقتی مدارسمان تنها و منحصرأ از منابع دولتی ارتزاق کنند، نمی‌توانیم خیلی به ایجاد تغییر و تحول دل ببندیم.



عکاس: طیبه رحیمی

۸ شکل‌گیری مرکز اطلاعات و منابع یادگیری با تأکید بر

فناوری‌های جدید،

۹ ممنوعیت جداسازی دانش‌آموزان خاص و استثنایی

در مدرسه‌ها (هر تحولی برای دانش‌آموزان صرفاً از طریق

مدرسه‌ها و در مدرسه‌ها صورت می‌پذیرد)،

۱۰ مدرسه، مکانی برای ارائه‌ی آموزش‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای.